

جو کلی
اد مکگینس
مارک مورالز
جیسان کیث
احمد کلاتیانی

مرد عنکبوتی و ددپول



مارول کامیکس

با کمال بی میلی تقدیم میکند ...



پیتر پارکر از یه عنکبوت رادیواکتیو نیش خورد، و این بهش قدرت‌هایی شگفت‌انگیز داد، نظیر سرعت فوق‌العاده، قدرت و چابکی یک عنکبوت، و انگشتان چسبناک. بعد از اینکه یاد گرفت که با قدرت بزرگ، مسئولیت بزرگ هم میاد، تبدیل به بزرگترین قهرمان دنیا شد. او کسی نیست جز ...

مرد عنکبوتی شگفت‌انگیز

اونجر ... قاتل ... سوپرستار! وید ویلسون برای یک برنامه‌ی فوق‌سری از سوی دولت انتخاب شده بود که بهش قدرت ترمیم از هرگونه زخمی رو داد. در کنار در آوردن پول ناچیزی به عنوان یک مزدور آماده‌ی استخدام، وید تبدیل شد به پرطرفدارترین قهرمان دنیا. و الان ستاره‌ی بزرگترین مجله‌ی کمیک دنیاست (مهم نیست اون مرتیکه‌ی تاری چی فکر میکنه).
صداش کنین مزدور و راج ... صداش کنین احمق نمردنی ... صداش کنین ...



ددپول

در قسمت قبل:

در یک اقدام شوکه‌کننده، کلی و مگینس با یک اقدام مشترک مرد عنکبوتی و ددپول رو درست سر وقت عرضه کردن.
شانزده سال پیش شروع کرده بودن.

ولی البته کارشون تموم شد! و در اولین قسمت، داستان بزرگ اون موقعی که ددپول مرد عنکبوتی رو گروگان گرفته بود تا تو یه نبرد ساختگی با دورمامو بجنگن که درواقع هم یه بازیگر بیکار بود رو تعریف کردن.
همه‌اش یه نقشه از ددپول بود تا بتونه با عنکبوتی بگرده چون که خیلی ارزش خوشش میاد. به علاوه، ددپول از یه مشکل کوچولو موچولو تو گرفتن تصمیمات اخلاقی رنج میبرد و امیدوار بود که هم تیمی با مرد عنکبوتی بتونه تو حل این کمکش کنه ...

یکی هم ددپول رو استخدام کرده که پیتر پارکر رو بکشه. "رئیس" مرد عنکبوتی رو.

واقعا برادرانه نیست؟

بخش

دوم

JOE KELLY WRITER • ED MCGUINNESS PENCILER • MARK MORALES INKER
JASON KEITH COLOR ARTIST • VC'S JOE SABINO LETTERER

ED MCGUINNESS AND MARTE GRACIA COVER ARTISTS DAVE MARQUEZ AND MARTE GRACIA,
ED MCGUINNESS AND ANDREW CROSSLEY VARIANT COVER ARTISTS
MANNY MEDEROS TITLE PAGE DESIGN DEVIN LEWIS ASSISTANT EDITOR
JORDAN D. WHITE AND NICK LOWE EDITORS

SPIDER-MAN CREATED BY
STAN LEE AND STEVE DITKO

DEADPOOL CREATED BY
ROB LIEFELD AND FABIAN NICIEZA

AXEL ALONSO EDITOR IN CHIEF JOE QUESADA CHIEF CREATIVE OFFICER
DAN BUCKLEY PUBLISHER ALAN FINE EXECUTIVE PRODUCER
مترجم و ویراستار: احمد کلاتیانی



www.comic-city.ir

دفتر مدیریتی صنایع پارکر، ساختمان بکستر، شهر نیو یورک

"خب، ظاهراً وقتی
پیتر پارکر رو توی
ویکیشنری سرچ
میکنی ...

"... کامپیوترت همه چی رو
میریزه رو دایره، کشتن خاله و
سگای مرده و دلکای
دندون کوسه‌ای."

بهم بگو که الان
اینو نریختم روی لباس
سفیدم.

میتونم بگم،
ولی دروغه.

چونکه پام
روی گزارش خودم
لیز خورد ...

که بهت
گفته بودم برش دار
تا پات روش لیز نخوره.
اینم درسته.

و سی ثانیه
دیگه هم باید برم جلو
دوربین.

سه تا شم درست
گفتی. واقعا این نوشیدنی
ادمو باهوش میکنه.

"همه‌شو اینجا
نوشته. نابغه‌ی شیطانی
عوضی که خود خود
اشغاله.

زور گو ...

شما! خانوم ...؟
میشه اون کراواتا رو
قرض بگیرم؟

همه‌شونو.

"آدم دیوونه.
با یه ذهن مریض ..."

کی بافت
فرانسوی بلده؟

من بلدم.
قربان.

همین الان ترفیع
درجه‌ات دادم به پادشاه
فشن.

بیست ثانیه ...
و تو یه احمقی.

”یه فاجعه که منتظره تا اتفاق بیفته.“

... وبافزار ۲۰۰
یک انقلاب در ارتباط و
نظارت بیوریتی ایجاد خواهد
کرد، و دنیا رو به جای بهتری
میکنه.

کسی سوالی
داره؟

اون چه وضع
کرواته؟

این ... ام ...
یه کراوات
نیست.

نه خب،
تقریبا چهار تا
کراواته!

یه چیز خیلی جدیده.
تازه تو میلان معرفی
کردن.

بهبش میگن
آماسکات.

”آماسکات.“

«خخخخ»

ام ... کراواتای
قدیمی رو جمع میکنید
و ... یه جورایی ... دوباره
مصرف میکنید.

واقعا!؟

فصل بعدی
همه جای منتان
پر میشه از اینا.

ببخشید، من
باید برم دنبال ...
آماسکات!
«خخخخ»

بهتون گفتم که
وبافزار ۲۰۰ توی
پنج رنگ جدید میاد؟

”یه ...“

عشق،
رقت انگیز، فاسد ...
که البته به نظرم این یکی از سوی
فرد فاسدخونده بر اساس شواهد و اثبات
قابل دفاعه.

میدونستی وقتی
استرس داری از کلمات
گنده استفاده میکنی؟

واقعا؟
مکررا ... ؟
عه آره.

«پوف» فقط ..
دارم مدارک بر علیه پارکر
رو بررسی میکنم، و کاملا واضحه
که باید خودشو با سطوح پایتتر
خودش معرفی کنم ...

اونوقت به جای اینکه
بری سرکارت اومدی رو
تخت نشستی و داری به این
کامپیوتر نگاه میکنی ...

... ماسکت
که سرته.

این لباس کارمه
عزیزم. دارم کار
میکنم.

باید بری کارشو
تموم کنی ...

اسلحه مورد
علاقه اتو بردار، شلیک
کن تو سرش و کارشو
تموم کن ...

☺
☺
☺

شاید لازم باشه
یادت بیاری که من
الان دیگه به اونچرم و
بر اساس قوانین، من حق
ندارم بدون به دلیل خیلی
خیلی خیلی خوب یکی رو
خلاص کنم ...

توی تیم اصلیشون
نیستی که.

زن نامرد ... ببین
با من چیکار میکنی ...

آها، حالا داری مثل
یه زن واقعی حرف میزنی،
قشنگ بکوب تو سرم ...



اونا ... آدمن؟؟

تو ظاهر پتر
کاملا دهقان فداکاره و
همش داره به خیریه و اینا کمک
میکنه و با اوایما بستنی
میخوره ...

... ولی به نظر
میاد که صنایع پارکر تو
کار به سری شیطنتای خیلی
بزرگه.

بودن. تا جایی که من
میدونم. یارویی که میخواد پارکر
پر بکشه برام همه این "مدارک" رو
فرستاده.



اگه این اتهامات
درست باشه .. میتونم قول
یه صندلی گرم تو جهنم و
بهش بدم.

یه سری ارتباطات
باهاشون دارم. در جریانی
دیگه.

دقیقا منم همینو
میگم! وقتی ملکه‌ی نفرین شدگان
بهت میگه باید بری جهنم،
این یه حکمه!



خب پس واسه
چی انقدر دو دلی؟

چونکه بعضی
مواقع کسایی که یکی رو
استخدام میکنن تا یکی رو
بکشه، آدمای بدن که با حقیقت
آشنا نیستن.

و ... منم نمیخوام
سر این یکی اشتباه کنم.
نمیتونم اشتباه کنم.



یه آشنای خط تیره
ابرقهرمان خط تیره آدم خیلی
خفن مشترک داریم که میتونه
کمک کنه ...

ولی نمیخوام که
بدونه دارم به چی فکر
میکنم. یه جورایی مثل الگو
میمونه برام و ...

عزیزم،
راه حلش خیلی
ساده‌است ...



... واسه خودت "مدارک" رو تایید کن.
اگه پارکر بیگناه بود، خشم تو بی سر کارفرمات خالی
کن. اگه هم بیگناه نبود، بفرستش
تو گور.

اینجوری که میگی
قتل به نظر به سادگیه
کیک پختن
میاد.

...

تازه دارم
میفهمم چقدر تو روی
افکار من تاثیر
داری.

پتر پارکر شاید
عمرش به دنیا
نباشه، ولی تو فعلا
هستی.

آماسکات!!!

آماسکات!
آماسکات!

خدارو شکر چیزی بیشتر از به هفته‌ی
توی چرخه‌ی خبری ۲۴ ساعته باقی نمی‌مونه.

دیرستانم چهارسال تیکه و ضایع شدن
مطلق بود. میتونم به چند روز از "واقعه‌ی آماسکات"
رو تحمل کنم.

یه مدیر عامل رک بودن به اون سادگی که
تونی نشونش میداد نیست. با وجود همه کارای خوبی که
میتونیم تو صنایع پارکر بکنیم، من اصلا پایه‌ی جلسات و
دست دادنا و جلو دوربین رفتنا و ... فشارای مدیریتی نیستم.

اگه نمیتونستم هرازچندگاهی به بار
تار بازی کنم و خودمو آروم کنم،
اونوقت دیوونه میشدم و به لباس مخصوص
میخواستم که به آماسکاتم بیاد.

مساله اینه که ... واقعا
"هرازچندگاهی" وقت کافی
واسه عنکبوت بازی هست؟

BREE-DEET

WOO
ROUND

LOWE'S LOWE'S HAPPY OPEN 24

سلام مرد
عنکبوتی! داشتم فکر میکردم
چه خوبه که ادم ما باشه!
چه خبر؟

...

گفتی
"خفت گیری؟"



ل-لطفا بذار من برم
آقا، اصلا راحت نیستم.

بچگیات کمبود
محبت داشتی، مگه نه؟ به
این میگن مهربونن! قشنگ
جذبش کن.

احتمالا تا قبل اینکه
مرگ بیاد دنبالت دیگه هیچوقت
به به ابرقهرمان انقدر نزدیک
نمیشی ...

چی میخوای؟
بیست دقیقه است اینطوری ای.
من کار دارم بابا! تازه
بوی بدی هم میدی.

جنس چرم کیف پولت
خیلی خوبه دوست من. و منم
به این بغل ادامه میدم تا چیزی که
میخوام و بگیرم ...

FREE
HUGS
WITH
DEADPOOL



مرد عنكبوتی
واقعی!

من مرد عنكبوتی
واقعی هستم! و تو هم
داری قانون شکنی میکنی ...
فکر کنم ...

تو، آقای محترم، شبیه
مرد عنكبوتی هستی. احتمالا
یه کلون باشی. اون از کلونا
خوشش میاد ...

من به
کلون
نیستم!

اتفاقا یه کلون
هم همینو میگفت.



اوه اوه، یه صدای چسپیدن
تار از نواحیه پشتیم حس کردم.
فقط میتونه یه معنی داشته باشه ..
خداقظ دوستان بغلی!!!

به موقع
اومدی!
و من
از دوست
متنفرم.

این دوست
من نیست!

خب ...
با این حرکت جاهای
مختلفمو یکی کردی.

سرم شلوغه
ددپول، چی میخوای؟

ام ... ظرف
میوه هامو تو کیف اونا
جا مونده؟ فکر کردم ظرفم
خودش توضیح میده
همه چی رو.

THWIP

قدرت درک چیز جالبیه.
ده هزار درصد مطمئنم که چیزی
که میبینم نمیتونه واقعیت
باشه.

ارتش گابلین ها.
قبلا باهاشون مقاله
کردم.

ولی حس عتکوتیم داره جمجمه‌ام
و مثل یه میگردن که روی نوک یه بمب
اتمی زده باشه سوراخ میکنه.

خطر. مایلز هم
حسش میکنه. یه حس درونیه.

من به حس درونیم اعتماد
دارم. و حس درونیم هم مثل
چی ترسیده.

من وقت زیادی از روزمو
توی سردرگمی میگذرونم.

بعضی مواقع یادم
میره که فامیلای شیکلاه از
کدوم قسمت جهنمن.

بعضی مواقع به جای گلوله مشقی
گلوله واقعی میذارم توی
اسلحه هام.

حتی مجبور شدم گیم آف ترونز
رو از اول ببینم که مطمئن بشم
وقتی که بازیگر داربو ناهاریس رو
عوض کردن من توهم نزدم.

واقعیت جز نقاط قوت من نیست ...
واسه همین وقتی یه توهم و میبینم
خوب میدونم چیه.

خوش پختانه، همپطور که
دارم به سمت رسواییه ابدی
میرم، به یه چیزی توجه
میکنم ...

... اینکه همه تو این نمایش
ترسناک شریک نیستن.

خوبه که پول اضافی
دارم که دکور درونیه ماشینمو
ضد خون بسازن.

یه بچه فقیر ... یه
یاروی درویش ... یه خانم
خیلی مسن ... من، حرفه‌ای‌ها
به این میگن سررغ.

به این میگن سررغ.

SKETCH

WILL MAKE FOOD

باید بریم!
باید از اینجا بریم
بیرون! باید ...

مرد عنکبوتی!
آروم بگیر! به جای کار
میلنگه، ولی ...

... لعنت بهش،
فقط به زدن اینو اون ادامه
بده تا بفهمم باید
چیکار کنیم!

LA
CUCARACHA!

دارم ... دارم درست
میکنم؟

اگه نگران این
نبودم که شهر داره میفته دست
یه ارتش گابلین ها ... حسایی
عصبانی میشدم.

داره میاد ددپول
داره میاد ددپول ...

داره میاد بالا
از دیوار!

عاشقتیم ددپول
عاشقتیم ددپول ...

ماشینت هست
خیلی باحال!

VRRRRRRR

RALES PUB

میبینم که دارید
از یه توهمه گسترده و
بزرگ رنج میبرید.

شاید گلو تنتون
زده بالا. یا زیادی
شبکه کارداشیان نگاه
کردین.

نه! بذار بره!
گابلین ها! گابلین ها!

تو داری باهاشون
کار میکنی! واسه تو
همیشه همینه، مگه نه؟ هرکی
پول بیشتر و بده، قدرت
بیشتر و داره ...

میدونستم
نمیتونم بهت اعتماد
کنم!

چرا اصلا ...؟

عنکبوت کوچولو! بزرگا
دارن با هم حرف میزنن.

چطوری من میتونستم
انقدر احمق باشم که فکر کنم
یه درصد تغییر داره توی رفتارت
به وجود میاد؟!!

اولا که، داشتی
بهم فکر میکردی؟
آخییی!

دوما که، اگه فقط
بهم بگی که اون تکنولوژی
پارکرت کجاست، از حرف الانت
پشیمون میشی...

BLAMM
BLAMM

KTSCHH

SKTCHH

...

و-وب افزار ... ؟
ت-توهم ... از توی
اون ... ؟
تو مارو
نجات دادی؟

متاسفم، من ...

نه، من نه.
من یه احمق وحشی ام.

مهم نیست.
که یه رمز بین پسر است
که یعنی "بند
دهنتو".

به جاش، بذار
راجع به رئیس گل گلاب
میلاردت تو راه زدش
حرف بزنیم.

دنیا داره نابود میشه
و تو توی طرف غلطه
قضیه ای!

همیشه توی طرف
غلط قضیه ای! میخوای
بدونی چرا من ازت متنفرم؟
دلیلش اینه!

تو خودخواهی،
احمقی و من نمیتونم بهت
اعتماد کنم که پشتمو داشته
باشی!



درست قبل اینکه بیفتم بغل آپولو متوجه شدم که اون مردم فقیر و پیر پاتالا و دور از تکنولوژی ها مثل خودم دیوونه نشده بودن.

داغترین تکنولوژی روز بازار به نظر دلیل خوبی میومد.

یکی شبکی وبافزار و هک کرده و رابط بیومتریشو برعکس کرده ...

آره ... "یکی"

به جای اینکه از توی دستگاه ها اطلاعات جمع کنه، داره اطلاعات میفرسته به مغز کاربر ...

اهریمنی، غافلگیر کننده، فجیحا به دنبال ویرانی شهروندان ... اه لعنتی، باز دارم اینکارو میکنم.



این کار رئیس تونه!

پتر پارکر؟ واقعا ...؟

شنیدی چی گفتم تاری. پارکر الان هرکی که تونست به دستبند گرون قیمت و بخره رو فرستاد به یه داستان تخیلی.

من عوضی ام، ولی پتر پارکر یه ابرتهکاره. آره، گفتمش.



من میتونم با اطمینان صددرصد تضمین بدم که پتر پارکر تو این قضیه دستی نداشته.

به مدیره میگن شاهدت کیه میگه اونیه که مثل چی واسه کارمندیم به پام میفته.

واسه چی انقدر درگیر پتر پارکری؟



چرا همه به پارکر اعتماد میکنن و به من نمیکن؟

همه اسرار خودمونو داریم، و من بهتون میگم که اسرار پارکر خیلی خیلی بدن!

وید ... من ... وقتی که گفتم ...

حرفتو زدی، منم شنیدم، مهم هم نیست، ما دوست نیستیم ...

میتونی سیگنال و تنظیم کنی یا هرچی؟



ل-لطفا ... م-مردم آسیب مبینن، این سیستم قرار نبود که ...

بله که قرار بود.

پارکر متوجه قدرت دستگاهش نشد. جالبه ...

... که چطوری خودمونو گول میزنیم تا توهمات خودمونو باور کنیم.



باور داره که
آدم خوبیه. این شهر
باور داره که پارکر آدم
خوبیه...

... ولی مثل
هر توهمی، به تغییر
کوچیک توی نحوه دید
همه چیز رو نمایان
میکنه.

یک مسیر اشتباه به قیمت
قبر نموم میشه. وقتی که جنازه‌ها
روی هم انباشته بشن و شهر
رو پر کنن ...

... همه چهره‌ی
واقعی هیولا رو خواهند
شناخت.

این یک قوله
از طرف

میستریو!



من میرم سیگنالای
وبافزار رو خاموش کنم و
شبکه‌ی پارکر و فقل
کنم.
دنبال میستریو
بگردین، امکان نداره
به همین سادگی بوده
باشه...

خون که مثل
نوشابه ردش نمیمونه؟
تازه ماشین و رنگ
کردم ...



ددپول!



باشه بابا! اصلا
احتمالا به ربات احمقی
چیزیه کلا!

تک تاک



چرا من
پنج دقیقه تو
یه کابوس وحشتناک
بودم؟

مستریو شبکه‌ی
وبافزار رو هک کرده و
جریان اطلاعاتو برعکس
کرده.

تحت کنترل، ولی
یه بررسی کامل رو سیستم
بکنین، راه حلای اورژانسی هم
آماده کنین و حتی اسم گزارشا
خبری هم جلوم نیار.

وید، اسلحه‌هاتو
آماده کن، یا هرکاری
که تو قبل رفتن به نبرد
میکنی.

اگه میستریو رو درست
شناخته باشم، اوضاع
قراره که ...

عجیب شه.



«گرورر»

فکر کنم ...
چهار پنج ...
گرفتیمش ...
هشت نه ...

اگه به باند
تمام بدن توی اون
دستبند کوچیکات داری،
الان وقت خوبی واسه
استفاده‌شه.



اون واقعا بکه؟
وای خدای من ...

گندش
بزنن ...

واقعا نمیخواستم
امروز کسیو بکشم.



کل آزمایشگاه پر بود از مواد شیمیایی ترس زا و توهم زا و اینا. یک آماده‌ی به نبرد بزرگ بود.

خب ... ما هم حسابی حالشو گرفتیم دیگه، مگه نه؟ وقتی میشه با ماشین بری رو ابرتهکارا، دیگه قدرت میخوای چیکار؟

دکتر میگفتن تو زندگیشو نجات دادی.

ناهار غذای تایوانی خورده بود، واسه همین نفس مصنوعی بهش مزه فلفل میداد ... نمیدونم، راجیچی ...

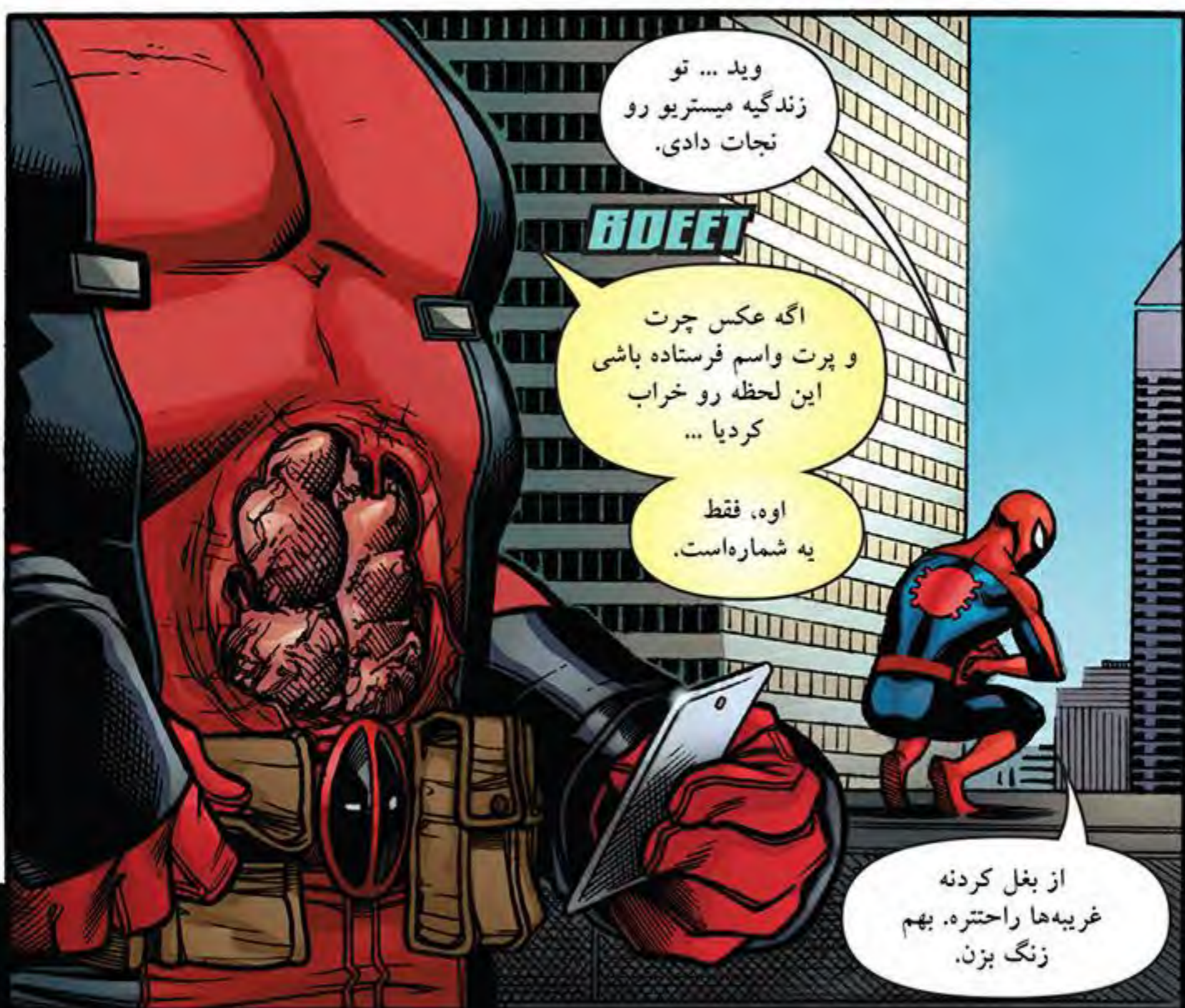


راتی؟

فکر میکردم اون غذا هندی باشه.

یه سری آشپزای محلیو دیدم درست میکنن.

زیاد سفر میکنیا.



وید ... تو زندگیه میستر یو رو نجات دادی.

اگه عکس چرت و پرت واسم فرستاده باشی این لحظه رو خراب کردیا ...

اوه، فقط یه شماره‌ه‌است.

از بغل کرده غریبه‌ها راحتتره. بهم زنگ بزن.



میزنم ... با یه فیش برای رئیس. یه ساعت وقت خرج کردم که بیزینس مسخره‌شو نجات بدم.

بهش امتیاز خوب بده. درضمن، خوبه که اسپایدرباگی رو برگردوندی.

اسمش ددباگیه. و اگه چیزی به اسم اسپایدرباگی وجود داشته، مطمئنم که ایده‌شو از من کپی شدی.



حالا وقتی که تو داری توی غروب خورشید تاب میخوری و امنیت صنایع پارکر پایینه ...

یه چند دقیقه وقت دارم تا یه سر و گوشی آب بدم.



آقای کارفرما یه سری اطلاعات راجع به این ساختمون فرستاد، پس ...

بین اینجا
دیگه چه خبره ...

آقای پارکر! م-متوجه
شدیم که یه سری مشکلات
پیش اومده.
بهتون تضمین
میدم ...

اون پارکر
نیست.



نه ...
نه، نیستم.

ساختمونو قفل کنین!

ترسید بابا، من
مامور سلامتتم. دستاتونو
قبل کار واسه سی ثانیه
شستین؟

پارکر رو خبر
کنید! ما ... وای خدا ...
اون ددپوله ...

وای نه ... مثل
اینکه شماها به سری
خلاف ضد بهداشتی
کردین. روی ظرف
سالاد کیسه مراقبت
در مقابل عطسه
نکشیدین ...

اون سلاح روده
برتون به نظر شسته شده
نمیاد ...



پروتکلای ایمنی رو بذارین
کنار! شلیک کنین! شلیک
کنین!

و خوکای آزمایشگاهیتون
به نظر میاد آدمایی باشن که
اشتیاقی به این کار ندارن.

به خاطر این باید
تعطیلتون کنم. شرمنده.

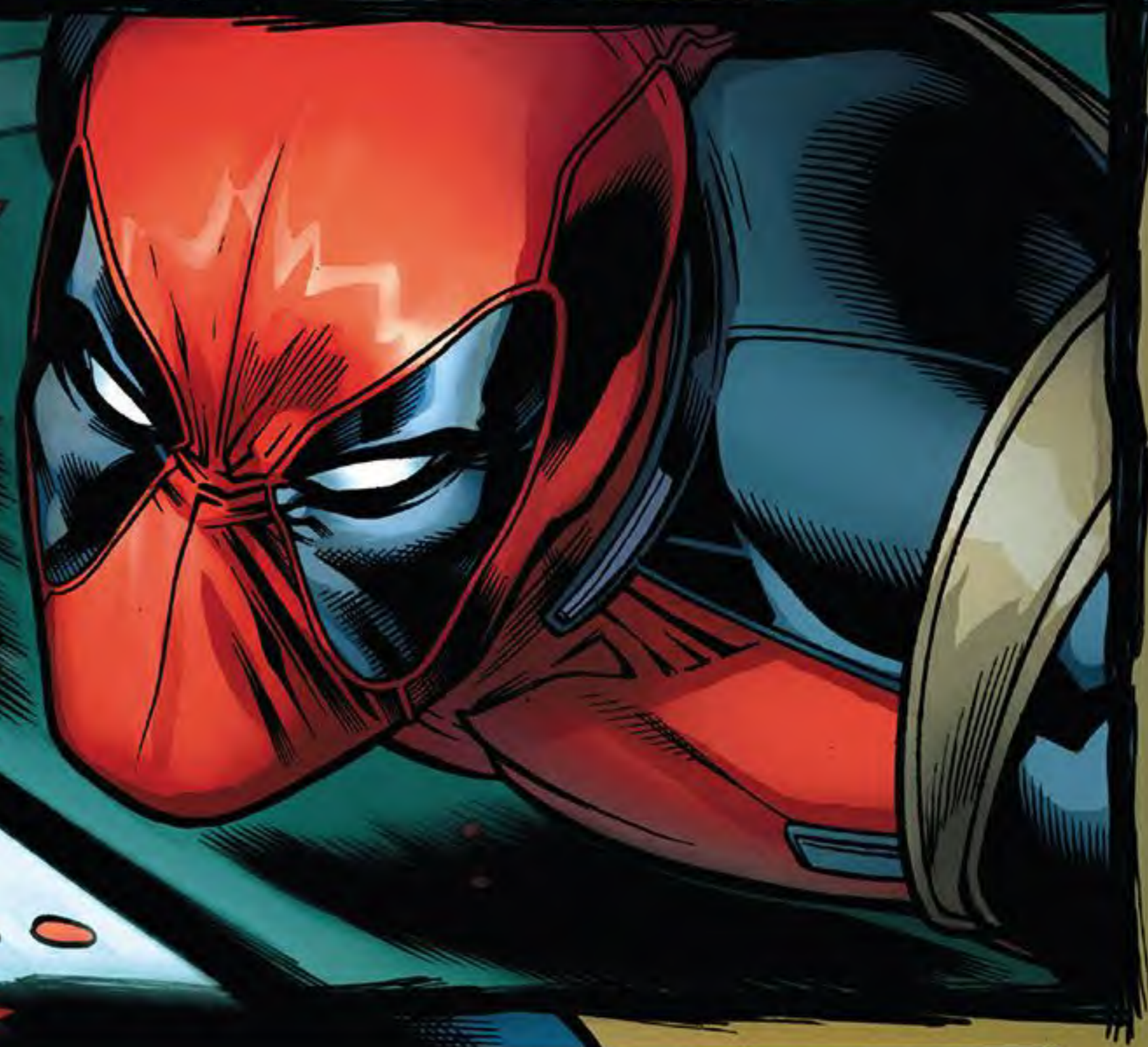
حالا به اونم
میرسم ... اول میخوام
پوست بکنم ... بعد تیکه
تیکه کنم.

اگه در صورت دیدن
تیکه های خودتون روی زمین
از حال میرین، پیشنهاد میکنم فوراً
به خودتون توی سر شلیک
کنین.

واقعا امیدوارم
که نکنین.

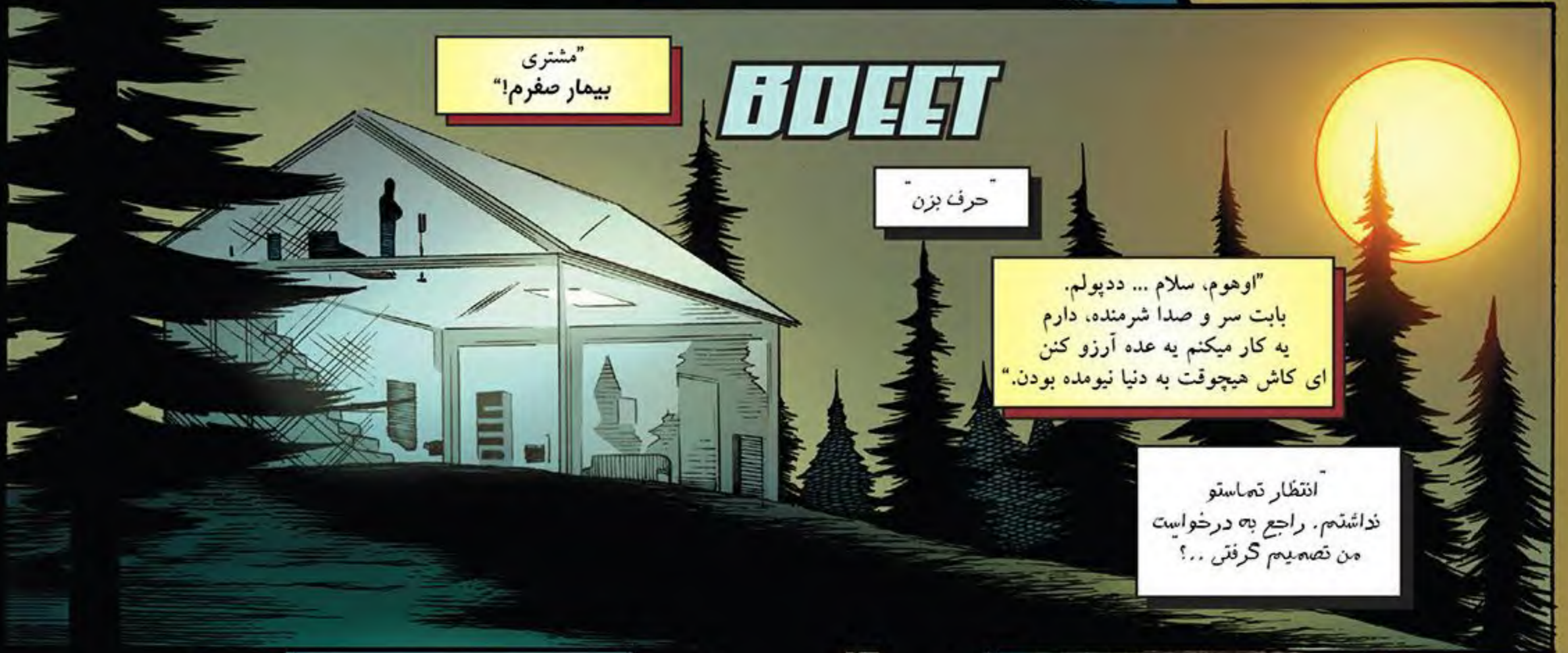


YEAAAAGH!



البته شرمنده.
معمولا جوکای بیشتری میگم
قبل اینکه قطع عضو و
شروع کنم. جبران
میکنم ...

... قبلش
باید یه زنگ بزدم.
تماس صوتی بگیر
با ...



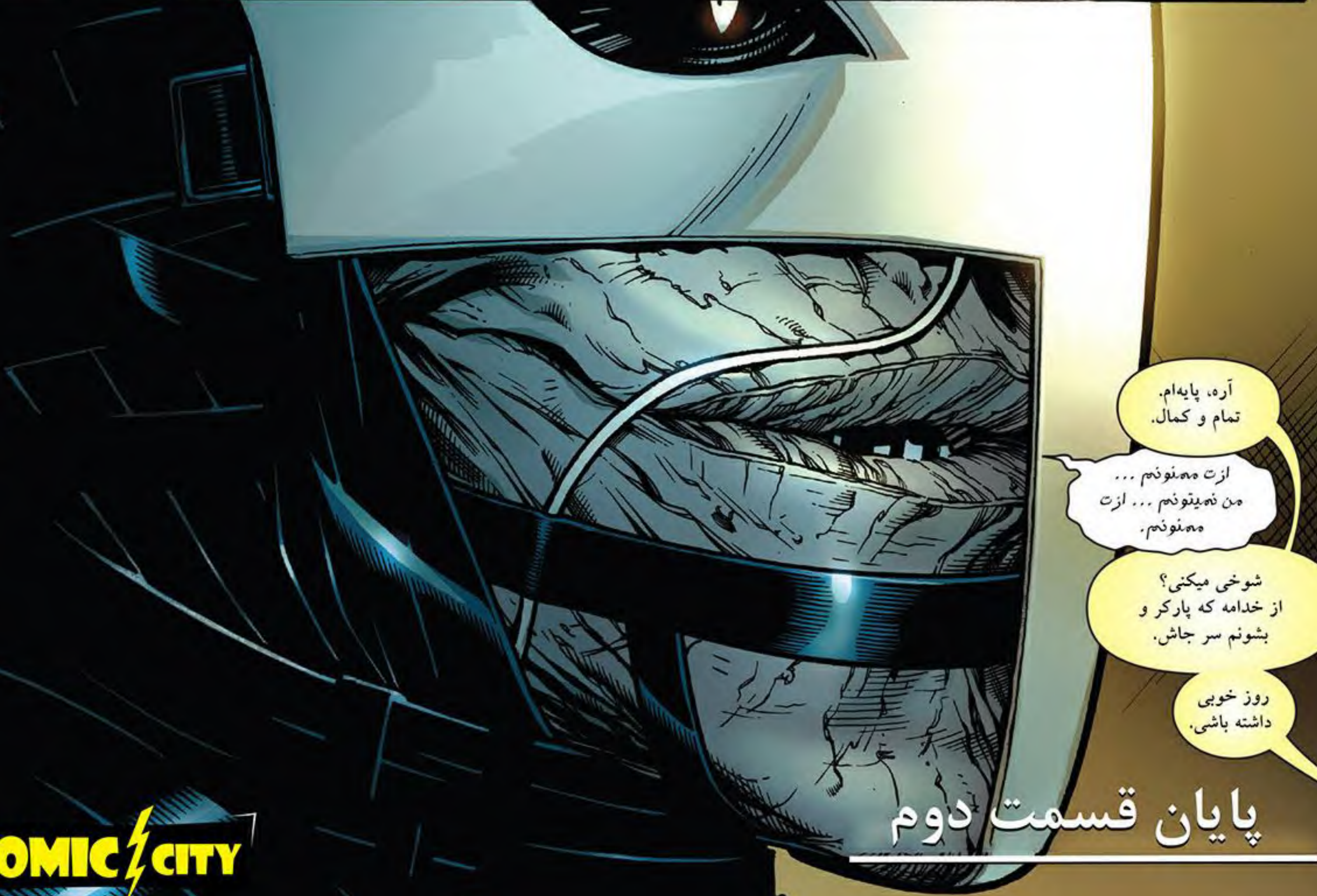
"مشتری
بیمار صفرم!"

BODEET

"حرف بزنی"

"اوهوم، سلام ... ددپولم.
بابت سر و صدا شرمنده، دارم
یه کار میکنم یه عده آرزو کنن
ای کاش هیچوقت به دنیا نیومده بودن."

"انتظار تماس تو
نداشتم. راجع به درخواست
من تصمیم گرفتی ...؟"



آره، پایه‌ام.
تمام و کمال.

ازت ممنونم ...
من نمیتونم ... ازت
ممنونم.

شوخی میکنی؟
از خدایه که پارکر و
بشونم سر جاش.

روز خوبی
داشته باشی.

پایان قسمت دوم

میخواهی بدونی قسمت بعدی چی میشه؟



COMIC CITY

www.comic-city.ir

ترجمه شده توسط:

کمیک سیتی

مرجع دانلود کمیک های ترجمه شده

 www.comic-city.ir

 @ComicCityIR

 @ComicCityIR



BatMan



The Flash



Deadpool



Assassins
Creed



Arrow



Ant-Man



Spiderman